

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی

در همایش استانی خبرگان رهبری در تالار وحدت، دانشگاه تبریز*

درآمدی بر کارآمدی مجلس خبرگان

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الله يأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعماء یعظکم به ان الله کان

سمیعاً بصیراً^۱

در آغاز از دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری و بویژه ریاست آن، آیت الله امینی و مسئولین استان بویژه نماینده ولی فقیه در استان، استاندار محترم و سایر دست اندرکاران به خاطر تشکیل این جلسه شکوهمند تشکر می کنم. مناسب می دانم در آغاز سخن، پیروزی بزرگ ملت صبور و مقاوم لبنان بویژه حزب الله قهرمان به فرماندهی حجت الاسلام والمسلمین سید حسن نصرالله را به محضر ولی عصر امام زمان ارواحنا له الفداء، مقام معظم رهبری، به همه مسلمانان جهان و به

۱. سوره نساء آیه ۵۸.

* این سخنرانی در تاریخ ۱۸/۵/۲۴ ایراد شده است.

خصوص به محضر شما عزیزان تبریک و تهنیت عرض کنم.

در واقع این پیروزی، یک پیروزی تاریخی و بی بدیل در طول ۵۸ سالی که این غده سرطانی در این منطقه حساس ایجاد شده است، بود. ما چنین پیروزی در تاریخ مبارزه کشورها و ملت های منطقه با این غده سرطانی نداشته ایم. در واقع اسرائیل در این جنگ ۳۳ روزه به هیچ یک از اهدافش نرسید. آنچه که در روزهای اولیه تجاوز اعلام کرده بود، عبارت بودند از: سربازان اسیر خود را بدون معاوضه پس خواهد گرفت؛ حزب الله را نابود خواهد کرد؛ ظرف چند روز تا رودخانه لیتانی به پیش خواهد رفت؛ پرتاب موشکهای حزب الله به سرزمین فلسطین اشغالی را قطع خواهد کرد؛ در بمباران های پیاپی سران حزب الله بویژه دبیرکل آن را از بین خواهد برد؛ پذیرش هرگونه آتش بس منوط به خلع سلاح حزب الله است؛ و اگر قطعنامه ای صادر شود باید نیروهای چند ملیتی طبق فصل هفت منشور قدرت مداخله نظامی و مبارزه و خلع سلاح حزب الله را برعهده بگیرند. آنچه اعلام کرده بود این که، با این جنگ در درون لبنان اختلافات شدید داخلی آغاز خواهد شد و این جنگ سرآغازی در زمینه آماده نمودن خاورمیانه جدید خواهد بود. اسرائیل به هیچ یک از اهداف نامشروع خود دست نیافت.

آنچه حاصل شد، شکسته شدن ابهت نظامی اسرائیل در منطقه که خود را ارتش شکست ناپذیر لقب می داد؛ همچنین اثبات اینکه آمریکا و اسرائیل با دستگاههای عریض و طویل اطلاعاتی خود هیچگونه اطلاعات دقیقی از توان حزب الله ندارند؛ آنچه حاصل شد اینکه حزب الله که محبوب لبنان و منطقه و دنیای اسلام بود، محبوبتر شد و نتیجه خواری آمریکا و همه حامیان آمریکا در منطقه بود و بالاخره اسرائیل تسلیم شد که برای پس گرفتن سربازانش، به مبادله اسرا که از ابتدا حزب الله اعلام کرده بود، باید سرفروود آورد و بالاخره طبق نظر حزب الله در قطعنامه شورای امنیت علیرغم آنکه نامتوازن و غیر عادلانه است، مزارع شعبا تصریح شد. این یک پیروزی بزرگ برای حزب الله بود. پیروزی بسیار درخشان برای امت اسلامی بود. انشاء الله این آغازی برای پیروزیهای بعدی مسلمانان و سرآغاز شکست های بعدی برای آمریکا و اسرائیل باشد.

موضوعی که بناست راجع به آن نکاتی را در این محضر به عرض برسانم، بحث کارآمدی و

کارایی مجلس خبرگان رهبری است. می‌دانیم که مجلس خبرگان به دلیل ویژگی‌های خاص خود و به دلیل جایگاه و نقش آن یک نهاد بی‌نظیر است. مجلس خبرگان متشکل از ۸۶ عالم و فقیه آگاه به زمان و رهبرشناس است و خبرگان، نهادی است که رهبری نظام را تعیین می‌کند؛ یعنی به نظام مشروعیت می‌بخشد. در بیانی امام راحل چنین می‌فرمایند:

«واضح است که حکومت به جمیع شوئون آن و ارگانهایی که دارد، تا از قبل شرع مقدس و خداوند تبارک و تعالی شرعیت پیدا نکند، اکثر کارهای مربوط به قوه مقننه، قضاییه و اجراییه بدون مجوز شرعی خواهد بود، و دست ارگانها که باید بواسطه شرعیت آنها باز باشد وابسته می‌شود، و اگر بدون شرعیت الهی کارها را انجام دهند دولت به جمیع شوئونه طاغوتی مُحَرَّم خواهد بود و لهذا تعیین خبرگان و فقیه شناسان از تکالیف بزرگ الهی است.»^۲ مجلس خبرگان آنقدر اهمیت دارد که شرعیت نظام به آن است و به تعبیر امام، اگر نباشد نظام ج.ا.ا. تبدیل به یک نظام طاغوتی خواهد شد.

در اینجا لازم است به مفهوم واژه کارآمدی و کارایی اشاره کنیم. کارآمدی^۳ بدان معناست که یک نهاد و سازمان خروجی‌اش متناسب با ورودی‌اش باشد. کارآمدی یک نهاد به این معناست که آن نهاد منابع انسانی، مالی و سایر امکانات را اتلاف نکند و در برابر نهادهای مشابه، از ثمره و محصولی مشابه و یا بیشتر و بهتر برخوردار باشد.

کارایی^۴ به این معناست که، ثمره و محصول یک سازمان و نهاد با اهداف آن سازمان مطابقت داشته باشد. بنابراین اگر مجلس شورایی در یک کشور بتواند در طول زمان فعالیتش محصول لازم را داشته باشد و طرحها و لوایح لازم را به تصویب برساند، نظارت‌های لازم را انجام دهد، به وزرای کابینه رأی اعتماد بدهد و سایر تکالیفی که دارد، بخوبی انجام دهد مجلسی کارآمد است. اما محتوای قوانین و طرحهای مصوب، تأثیرگذار و منطبق با اهداف نظام باشد، آن زمان، مجلسی کارآ است. پس ممکن است نهادی کارآمد نباشد و ممکن است نهادی کارآمد باشد ولی کارآ نباشد. یک دانشگاه اگر بتواند طبق برنامه خود دانشجویانی را تربیت کند و فارغ التحصیل نماید

۲. پیام امام راحل (ره) در ۱۶ آذرماه سال ۱۳۶۱ به مناسبت انتخابات اولین دوره مجلس خبرگان رهبری.

این مرکز آموزشی و دانشگاه کارآمد است. اما اگر فارغ التحصیلان دانشگاه از کیفیت لازم برخوردار نباشند کاراً نبوده است.

سخن در این است که مجلس خبرگان رهبری چگونه می‌تواند هم کارآمد و هم کاراً باشد هم فعالیت‌های لازم و وظایف لازمه که برای مجلس خبرگان مشخص شده است به خوبی انجام دهد و هم با بهترین کیفیت آن کار را به انجام برساند. اگر بگوییم کارآمدی تا حد زیادی به کمیت مربوط می‌شود و کارایی بیشتر به کیفیت مربوط می‌شود، خیلی با معنای اصطلاحی این واژه‌ها فاصله نگرفته‌ایم.

مجلس خبرگان رهبری دارای سه وظیفه مهم است. وظیفه اول مجلس خبرگان همان است که در اصل ۱۰۷ قانون اساسی به آن تصریح شده است و آن تعیین رهبری است با شرایطی که در اصول پنجم قانون اساسی و ۱۰۹ قانون اساسی به آنها تصریح شده است. البته آنچه در اصل پنجم قانون اساسی آمده با کمی تفصیل بیشتر، در اصل ۱۰۹ به آنها تصریح شده است. اگر در اصل پنجم قانونی اساسی از فقیه عادل و با تقوی سخن به میان آمده است در اصل ۱۰۹ به تعبیر فقهی که صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه دارد و توان افتادارد، آمده است. اگر در اصل پنجم قانون اساسی با عنوان عادل و با تقوی آمده است در اصل ۱۰۹ عدالت و تقوی لازم برای رهبری امت اسلام، با بیان و تفصیل بیشتری آمده است. اگر در اصل پنجم، آگاه به زمان آمده است، در اصل ۱۰۹ بینش صحیح سیاسی و اجتماعی آمده است. در اصل پنجم تعبیر شجاع، مدیر و مدبر و در اصل ۱۰۹ تدبیر و شجاعت و مدیریت و قدرت کافی برای رهبری آمده است. بنابراین تقریباً همه عناوینی که در اصل پنجم آمده با تفصیل بیشتری در اصل ۱۰۹ نیز بیان شده است.

اگر قبل از بازنگری قانون اساسی، در صورتی که اکثریت قاطع مردم فقیه‌ای را به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته نباشند، مجلس خبرگان وارد عمل می‌شود و رهبری را تعیین می‌کند، بعد از بازنگری قانون اساسی، تعیین رهبری منحصرأ به مجلس خبرگان واگذار شده است. دلیل آن هم روشن است. شرایطی که امام(ره) داشت که از طرف اکثریت قاطع مردم ایران به مرجعیت و رهبری پذیرفته شده بود؛ در بازنگری دیدند که این شرایط منحصر به فرد بوده و قابل تکرار نیست. به همین دلیل در قانون اساسی بعد از بازنگری، تنها نهادی که رهبری جامعه را مشخص

و معین و به مردم معرفی می کند، مجلس خبرگان رهبری است.

بنابراین جایگاه این نهاد منحصر به فرد است و تنها این نهاد است که مهمترین شخصیت که با او نظام، مشروعیت می یابد را تعیین می کند. البته مشروعیت خود نهاد خبرگان از لحاظ حقوقی صرفاً با رأی مردم است. این مردم هستند که فقهاء رهبرشناس را در میان واجدین شرایط برمی گزینند و انتخاب می کنند و با آرای مردم است که مجلس خبرگان مشروعیت حقوقی و سیاسی می یابد. البته مشروعیت دینی و شرعی این نهاد از جهت همان صفاتی است که اعضای خبرگان دارا هستند و در قانون و آیین نامه خبرگان به آنها تصریح شده است.

بنابراین مجلس خبرگان، در میان فقهای واجد شرایط بهترین راه، از لحاظ علمی، تقوایی، مدیریت، مدیریت، شهامت و شجاعت، و قدرت اداره کشور و امت، برمی گزیند. اگر در میان فقهاء واجد شرایط، چند نفر را یکسان ببیند و فردی را بر دیگری نتواند ترجیح دهد، یکی را از میان آنان انتخاب می کند و به مردم معرفی می کند. پس جایگاه مجلس خبرگان بسیار مهم است. این جایگاه به تعبیر مقام معظم رهبری "مردمسالاری دینی" را بخوبی تبیین می کند. در واقع در مسئله ولایت فقیه هم "اسلامیت" است و هم "جمهوریت" است: اصل ولایت، شرایط رهبری، وظایف رهبری و نصب آن از طرف شارع مقدس انجام می شود که در شرایط فعلی همان نصب عام است. این چهار مورد از جانب خداوند متعال است.

از طرف دیگر، انتخاب اعضای مجلس خبرگان، انتخاب رهبری توسط خبرگان منتخب ملت، بیعت، حمایت و اطاعت مردم و همچنین نظارت بر بقای صفات رهبری، توسط خبرگان و مردم انجام می شود. بنابراین این چهار مورد، توسط مردم انجام می شوند. البته عمل مردم در عرض فرامین الهی نیست. روشن است که طولی است. آنچه به عنوان حق و اعمال قدرت مردم و رأی مردم صحبت می شود و مشروعیتی که از طرف مردم ایجاد می شود باز هم مبنای اصلی آن از طرف شارع مقدس و خداوند متعال است و او فرموده است که «و امرهم شوری بینهم»، پس این حق هم، از او نشأت گرفته است.

بنابراین «ولایة الناس» در عرض «ولایة الله» نیست، بلکه «ولایة الناس» در طول «ولایة الله» است. که در واقع آن «ولایة الناس» هم از طرف شارع مقدس امضاء شده است. و اینجاست که

مجلس خبرگان تبلور "جمهوریت" و "اسلامیت" نظام است.

روشن است در طول ۲۷ سال گذشته آن قدرتی که توانسته این نظام را در برابر انواع خطرات حفظ کند و توانسته به خوبی از محتوای اسلامیت این نظام حراست کند و نظام جمهوری اسلامی ایران را در برابر انواع تهدیدات حفظ کند، مقام ولایت فقیه بوده است. استقلال کشور در فراز و نشیب‌ها، وحدت ملی در برابر انواع اختلاف نظرها، دفاع از کشور در زمان جنگ تحمیلی و سایر توطئه‌ها و تبیین نظام اسلامی در برابر نظرات افراطی و تفریطی، آیا بدون وجود امام امکان‌پذیر بود. چه در زمان امام که با تدبیر ایشان و چه در زمان مقام معظم رهبری، که همان تدبیرها ادامه یافت.

امروزه این وظیفه خبرگان و تشخیص رهبری از هر زمان دیگری مهمتر است. تعیین فقیه عادل، متقی، شجاع، مدیر، مدبر، قادر بر رهبری در میان این همه توطئه‌ها و نقشه‌های دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران، ملت ایران و امت اسلامی، از هر زمان دیگری مهمتر است. به دلیل انواع فتنه‌ها و توطئه‌هایی که پیش روی ماست. تعبیری که امام (ره) در زمینه بحث ولایت فقیه دارد که فکر می‌کنم آخرین کلام امام در این زمینه است و در هفته‌های پایانی زندگی امام خطاب به مجلس بازننگری قانون اساسی است، این واقعیت را به خوبی تبیین می‌کند. امام می‌فرماید: "ما که نمی‌توانیم نظام را بدون سرپرست رها کنیم. باید فردی را انتخاب کنیم که از حیثیت اسلامی مان در جهان سیاست و نیرنگ دفاع کند. من از ابتدا معتقد بودم و اصرار داشتم که شرط مرجعیت لازم نیست. مجتهد عادل مورد تأیید خبرگان محترم سراسر کشور کفایت می‌کند، اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد قهری او مورد قبول مردم است. در این صورت او ولی‌منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است."^۵

به تعبیر امام در این جهان توطئه و نیرنگ و پر آشوب، باری که بر دوش خبرگان است از هر زمان دیگر امروز بیشتر سنگینی می‌کند. مخصوصاً اینکه مجلس خبرگان باید در زمینه همه صفات رهبری و همه افرادی که در آینده احتمالاً این مسئولیت را بردوش می‌گیرند به خوبی

۵. پیام امام به رئیس مجلس بازننگری قانون اساسی در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۹.

بررسی کند و زمینه را برای انتخاب دقیق و سریع رهبری در شرایط لازم آماده نماید. البته کارآمدی و کارایی مجلس خبرگان به دلیل اینکه بسیاری از فعالیتهایش محرمانه است و نمی تواند آشکار و تبلیغاتی باشد برای مردم روشن نیست. والا کمیسیون اصل ۱۰۷ و ۱۰۹ برای شرایط احتمالی آینده بررسیهای لازم خود را انجام می دهد و همه فقهایی که احتمالاً می توانند در آینده این بار سنگین را بر دوش بگیرند ویژگی های آنها را مورد بررسی و مطالعه قرار می دهد.

خوشبختانه در دوره سوم مجلس خبرگان کمیسیون جدیدی بر کمیسیونهای مجلس خبرگان رهبری اضافه شد و آن کمیسیون سیاسی اجتماعی است. تشکیل این کمیسیون بدین منظور است که بیشتر بتواند توجه اعضای خبرگان را نسبت به مسایل سیاسی، اجتماعی و بین المللی جلب نماید. در ماده ۵۱ آیین نامه آمده است: «به منظور آگاهی مستمر اعضای مجلس خبرگان نسبت به تحولات مهم داخلی و جهانی به ویژه در زمینه مسائل سیاسی، فرهنگی، مدیریتی، امنیتی و اقتصادی، کمیسیونی به نام «کمیسیون سیاسی اجتماعی» تشکیل می شود. در تبصره ۱ این ماده آمده است: «این کمیسیون موظف است با تشکیل جلسات با حضور نخبگان و مسئولین امور سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، مسائل مهم داخلی و جهانی که به نحوی، به انجام وظایف خبرگان مربوط می شود را، مورد بررسی قرار داده و گزارش آن را به هیئت رئیسه تقدیم نماید تا در اولین اجلاس خبرگان به اطلاع اعضا برسد.» در تبصره ۲ این ماده آمده است: «کمیسیون موظف است حداقل یک ماه قبل از تاریخ هر اجلاس، موضوعات مهم داخلی یا جهانی و گزارشات مربوطه را که لازم است در اجلاس خبرگان مورد بررسی قرار گیرد، به هیئت رئیسه پیشنهاد نماید.» در واقع این کمیسیون کمکی است برای اینکه مجلس خبرگان رهبری بتواند به وظیفه بسیار مهمی که طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی بر دوش او گذاشته شده است، بهتر انجام وظیفه کند و کارآمدی و کارایی ش بیشتر به منصفه ظهور برساند.

مجلس اول خبرگان رهبری که با این وظیفه مهم مواجه شد به بهترین وجه این مسئولیت را انجام داد. البته شاید اشارات امام راحل (ره) کمک مهمی برای تصمیم خبرگان بود، تا این مجلس بتواند این وظیفه مهم و بزرگ را به خوبی و در کوتاهترین زمان ممکن انجام دهد. در این زمینه بیان نکات دیگری ضروری است که به دلیل ضیق وقت من از آنها می گذرم. آنچه که امروز به

عنوان تبلیغات سوء در صحنه رسانه‌های بیگانه مطرح می‌شود که ولایت فقیه به نظر و آراء مردم ارتباطی ندارد و مقام انتصابی است و مقام انتخابی نیست با تبیین اصل ۱۰۷ قانون اساسی روشن می‌شود که سخنی بی‌اساس و اتهامی نارواست و رهبری نظام با انتخاب غیر مستقیم، توسط مردم تعیین می‌شود.

وظیفه دوم، وظیفه‌ای است که در اصل ۱۱۱ قانون اساسی تشریح شده است. طبق این اصل هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط رهبری گردد، یا معلوم شود که از آغاز فاقد برخی از آن شرایط بوده از مقام خود برکنار می‌شود. تشخیص این امر هم صرفاً به عهده مجلس خبرگان رهبری است. این طور نیست که مجلس خبرگان، رهبری را تعیین کند و وظیفه اش تمام باشد، بلکه طبق این اصل قانون اساسی، وظیفه مهم دیگری بر دوش او گذاشته شده که آن نوعی نظارت و در شرایط لازم عزل رهبری است. مقام معظم رهبری در یکی از بیاناتش این چنین می‌فرماید: «تعیین رهبر حائز صلاحیت، تشخیص ناتوانی یا عدم صلاحیت وی، وظیفه بزرگ و بی‌بدیلی است که اعضای این مجلس محترم، بر دوش گرفتن آن را با خدای علیم و قدیر و با ملت ایران پیمان بسته‌اند».

البته برای همه ما روشن است که نظارت عمومی وظیفه همه مردم است، بحث امر به معروف و نهی از منکر، و بحث «النصیحة لأئمة المسلمین»، وظیفه عمومی همه آحاد جامعه است. سخن خیرخواهانه و دلسوزانه گفتن به رهبری نه تنها جایز است که واجب است. آنچه افراد تشخیص می‌دهند و یا احتمالاً انحرافی را می‌بینند در هر زاویه‌ای از حکومت اسلامی، نه تنها می‌توانند بگویند که وظیفه آنهاست به عنوان امر به معروف و نهی از منکر و به عنوان نصیحت اعلام نمایند. این وظیفه، ویژه خبرگان نیست، مربوط به همه است.

اما برای خبرگان نیز وظیفه خاصی تعیین شده است، گرچه تعبیر نظارت به مفهوم حقوقی، سیاسی آن، شاید یک تعبیر دقیقی در این مورد نتواند باشد، چون اصل نظارت بر رهبری یک نظارت درونی است، نه نظارت بیرونی، تقوی و عدالتی که جزو شرایط رهبری ذکر شده و تأکید شده است، ناظر اصلی و دائمی برای رهبر است. اما یک ناظر بر ناظر هم داریم که آن خبرگان

است. خبرگان همواره دقت و مراقبت می‌کند برای اینکه آن صفات که در رأس آن تقوی و عدالت است در رهبری باقی باشد. پس ناظر واقعی، ناظر درونی است که همان تقوی و عدالت است که بهترین و قدرتمندترین و دائمی‌ترین ناظر است اما خبرگان وظیفه‌اش این است که صفاتی که برای رهبری در اصل پنجم و ۱۰۹ قانون اساسی مشخص شده است مراقبت کند که آیا آن صفات باقی است یا نه. بنابراین آنچه که دشمنان می‌گویند که ولایت فقیه یک مقام غیر مسئول است، سخن بی‌اساس و ناروایی است و همواره صفات رهبری تحت نظارت دائمی مجلس خبرگان است.

در این زمینه این چنین نیست که مجلس خبرگان فعالیت‌ی نداشته باشد، اما چون آشکار نیست و اعلام نمی‌شود، ممکن است مردم فکر کنند که مجلس خبرگان در این زمینه ساکت و بی‌تفاوت است. ممکن است در ذهن افرادی که آشنا به قانون اساسی و وظایفی که شرع مقدس، برای مردم و خبرگان تعیین کرده است نیستند، چنین شبهاتی خلجان کند. اینکه گفته می‌شود مقام غیر مسئول یا مقامی که هیچ نهادی بر او نظارتی ندارد، بی‌اساس است. در حالی که اصل ۱۱۱ بخوبی این نظارت را تبیین کرده. حداقل یک دقت و مراقبت دائمی از طرف مجلس خبرگان وجود دارد که بسیار مهم است.

وظیفه سوم خبرگان، در اصل ۱۰۸ قانون اساسی تبیین شده است. تمام اصولی که در بازنگری قانون اساسی راجع به خبرگان اصلاحاتی شده قدرت و جایگاه خبرگان را بیشتر تقویت کرده است. در اصل ۱۰۸ قانون اساسی نیز جمله‌ای اضافه شده که اختیارات خبرگان را بیشتر کرده است. در این اصل در بازنگری جمله «و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان» اضافه شده است. بر مجلس خبرگان، نهادی مثل شورای نگهبان نظارت ندارد. رأی مردم نسبت به خبرگان هم نباید تنفیذ شود مثل ریاست جمهوری که رأی مردم را رهبری تنفیذ می‌کند. در واقع مجلس خبرگان نهادی است که جایگاه و وظیفه خاص خود را دارد. این نهاد، بالاترین نهاد است نه نهادی بر آن نظارت دارد و نه کسی می‌تواند این مجلس را منحل کند. مجلس خبرگان نسبت به شرایط اعضاء و مقررات انتخابات تصمیم می‌گیرد و مقررات نسبت به خود را، خود تصویب

می‌کند، این وظایف بسیار اهمیت دارد. چون اعضای خبرگان درست است که مشروعیت حقوقی و سیاسی خود را از رأی مردم می‌گیرد اما مشروعیت دینی خود را در واقع، از تخصص و کارشناسی خود می‌گیرد. اگر اجتهاد نباشد، اگر فرد منتخب عالم به زمان نباشد، اگر شرایطی که در آیین نامه خبرگان تعیین شده است برای منتخبین نباشد، نمی‌توانند وظایف مهم خود را انجام دهند. اصل خبرگان از دیرباز برای تعیین مراجع مطرح بوده است البته شرایط تعیین مراجع با رهبری از جهاتی متفاوت است. آنچه که به خبره، مشروعیت دینی می‌دهد خبرویت او و توانمندی او در شناسایی رهبر است. اصل مراجعه به خبره و متخصص، بنای عقلاء است که شرع هم آن را امضاء کرده است. ولی آنچه از لحاظ سیاسی و حقوقی به او مشروعیت می‌دهد آرای مردم است. بنابراین مجلس خبرگان بسیار اهمیت دارد و دارای جایگاه بسیار مهمی است. اما می‌توان مجلس خبرگان را کارآتر و کارآمدتر کرد. در کنار مجلس خبرگان و در کنار دبیرخانه می‌توان نهادهایی را تشکیل داد که به خبرگان کمک کند. در تمام کشورها در مجالس مهم، جلساتی تحت عنوان استماع^۶ دارند و کارشناسان مختلف در رشته‌های مختلف را که به وظایفشان مربوط می‌شود دعوت می‌کنند تا گزارش دهند. برای آنکه از همه ریزه کاریها باخبر شوند. مجلس خبرگان هم می‌تواند چنین کاری را انجام دهد. مجلس خبرگان در تبیین جایگاه ولایت فقیه به افکار عمومی و بیدار کردن افکار نسل جوان می‌تواند اقدامات ارزشمندی را انجام دهد. با هدایت مقام معظم رهبری یکی از اقدامات جدید خبرگان دادن قطعنامه در مسایل مهم است که به وظایف خبرگان اضافه شده است. بسیاری از اقدامات می‌تواند به کارآمدی و کارآیی مجلس خبرگان کمک کند و جایگاهش را رفیع‌تر نماید که به دلیل ضیق وقت، ناچارم بحثم را پایان دهم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته